210844 ـ رد حدیثی باطل درباره‌ی معاویه رضی الله عنه

سوال

آیا سند این حدیث که بلاذری درباره‌ی معاویه روایت کرده صحیح است؟
از بکر بن هیثم و اسحاق بن ابی اسرائیل از عبدالرزاق صنعانی از معمر بن راشد از عبدالله بن طاووس از طاووس بن کیسان ز عبدالله بن عمرو بن العاص روایت است که گفت: نزد رسول الله ـ صلی الله علیه وآله وسلم ـ نشسته بودم که فرمودند: از این راه مردی بر شما وارد خواهد شد که بر غیر دین من خواهد مرد. راوی می‌گوید: من پدرم را در حالی که برایش آب وضو گذاشته بودند، ترک کرده بودم و از ترس اینکه او [از آن راه] بیاید، مانند کسی که ادرار به او فشار آورد ترسیده بودم. می‌گوید: پس ناگهان معاویه آمد و پیامبر ـ صلی الله علیه وآله وسلم ـ فرمود: این همان است.

پاسخ مفصل

الحمدلله.

این حدیث را بلاذری در کتابش جمل من أنساب الأشراف (۵/ ۱۹۷۸) به این صورت نقل کرده است:

«واسحاق و بکر بن هیثم به نقل از عبدالرزاق بن همام به نقل از معمر ابن طاووس از پدرش از عبدالله بن عمرو بن العاص روایت کرده که گفت:نزد رسول الله ـ صلی الله علیه وآله وسلم ـ نشسته بودم که فرمودند: از این راه مردی بر شما وارد خواهد شد که بر غیر دین من خواهد مرد. راوی می‌گوید: من پدرم را در حالی که برایش آب وضو گذاشته بودند، ترک کرده بودم و از ترس اینکه او [از آن راه] بیاید، مانند کسی که ادرار به او فشار آورد ترسیده بودم. می‌گوید: پس ناگهان معاویه آمد و پیامبر ـ صلی الله علیه وآله وسلم ـ فرمود: این همان است.

بله؛ بلاذری این حدیث را به همین صورت در کتاب پیشین آورده است، اما هر حدیثی که روایت شود صحیح نیست و حتی اگر در همین کتاب بلاذری نگاه بیندازیم خواهیم دید حدیث قبل و بعد از آن تصریح به این دارد که معاویه از اهل بهشت است!

ابن جوزی در کتابش العلل المتناهية في الأحاديث الواهية (۱/ ۲۸۰) پس از ذکر برخی احادیث دال بر بهشتی بودن معاویه رضی الله عنه و ضعیف دانستن آن می‌گوید: و از وی روایت شده که او (معاویه) از اهل جهنم است اما این نیز محال است.

بنابراین مهم صحیح بودن سند است نه اینکه حدیث در چه کتابی وارده شده باشد.

یکی از رجال این سند، عبدالرزاق الصنعانی است که هرچند از امامان است اما علما همه‌ی احادیث وی را مورد اعتماد

ندانسته‌اند و احادیثی را که از حفظ خود و نه از کتبش، و احادیثی را که پس از نابینا شدن روایت کرده و احادیث وی را در باب مناقب و معایب ـ مانند این حدیث ـ نپذیرفته‌اند، زیرا به تشیع گرایش داشت.

ابن عدی در کتاب الکامل (۶/ ۵۴۵) می‌گوید: عبدالرزاق بن همام [صنعانی] تصنیفات و احادیث بسیاری دارد و راویان ثقه‌ی مسلمان و امامانشان به نزد وی سفر می‌کردند و در حدیث وی ایرادی نیافته‌اند، اما او را به شیعه‌گری منسوب کرده‌اند و احادیثی در باب فضائل روایت نموده که هیچ یک از راویان ثقه (مورد اعتماد) روایت نکرده‌اند و این بزرگترین ایرادی است که از وی گرفته‌اند و همینطور به سبب احادیثی که درباره‌ی عیوب دیگران آورده که در این کتاب ذکر نکرده‌اند. اما از نظر راستگویی‌اش امیدوارم اشکالی در وی نباشد، اما وی احادیثی در باب فضایل اهل بیت و عیوب دیگران روایت کرده که منکر است.

که این روایت نیز از همین دسته است.

دارقطنی درباره‌ی وی می‌گوید: ثقه است، اما در روایت از معمر به اشتباه احادیثی روایت می‌کند که در کتاب [وی] نیست. (سؤالات أبي عبد الله بن بكير وغيره لأبي الحسن الدارقطني: ۳۵).

احتمالا این روایت نیز از همین دسته باشد، به ویژه آنکه خود عبدالرزاق این روایت را در مصنفش ذکر نکرده، چنانکه محقق کتاب بلاذری نیز به آن اشاره کرده است».

ابن حبان در کتاب الثقات (۸/ ۴۱۲) می‌گوید: از جمله کسانی بودند که [احادیث را] جمع‌آوری نمود و تصنیف کرد و حفظ و مذاکره [ی حدیث] نمود، اما در صورت نقل از حفظ دچار اشتباه می‌شود و علاوه بر آن به تشیع گرایش داشت.

امام احمد می‌گوید: به احادیث کسانی که پس از نابینایی عبدالرزاق صنعانی از حفظ وی حدیث نقل کرده‌اند توجه نمی‌شود چرا که به وی احادیثی باطل تلقین می‌شد (شرح علل ترمذی، اثر ابن رجب (۲/ ۵۷۷ـ۵۷۸).

ابن رجب می‌گوید: کسان بسیاری ذکر کرده‌اند که عبدالرزاق درباره‌ی فضایل علی و اهل بیت احادیث منکری روایت می‌کند و بعید نیست این‌ها احادیثی باشد که پس از نابینایی به وی تلقین شده باشد، چنانکه امام احمد گفته‌اند... و نسائی می‌گوید: احادیثی که عبدالرزاق در پایان عمرش گفته مشکل دارد (شرح علل الترمذي: ۲/ ۵۸۰).

همچنین در سند این حدیث چنانکه در المنتخب من علل الخلال ابن قدامه (۲۲۸) آمده اضطراب رخ داده است: «از احمد درباره‌ی حدیث شریک از لیث از طاووس از عبدالله بن عمرو پرسیدم که از رسول الله ـ صلی الله علیه وآله وسلم ـ روایت کرده است: مردی از اهل آتش بر شما وارد می‌شود پس معاویه وارد شد. گفت: این را فرزند طاووس از پدرش از عبدالله بن عمرو یا دیگری نقل کرده. و این را با شک گفت.

خلال می‌گوید: آن را عبدالرزاق از معمر از عبدالله بن عمرو از طاووس روایت کرده که گفت: شنیدم که فُرخاش این حدیث را از پدرم از عبدالله بن عمرو نقل می‌کردم».

علاوه بر اضطرابی که در سند این روایت رخ داده، اضطراب دیگری نیز در متن آن وجود دارد؛ زیرا در روایتِ بلاذری آمده که مردی از اهل آتش بر شما وارد می‌شود، و سپس معاویه ـ رضی الله عنه ـ وارد شد، اما در لفظ مسند احمد (۱۱/ ۷۱) آمده که گفت: مردی ملعون بر شما وارد می‌شود و حکم بر آنان وارد شد.

روایت دیگری که هیثمی در مجمع الزوائد (۱/ ۱۴۷) آورده و آن را به طبرانی در معجم الکبیرش منسوب نموده چنین آمده که مردی بر شما وارد می‌شود که روز قیامت بر غیر سنت من یا بر غیر دین من مبعوث خواهد شد اما در این روایت مشخص نشده که چه کسی بر آنان وارد شد.

بنابراین با وجود چنین اضطرابی در سند و متن این حدیث ممکن نیست کسی که اندک بویی از علم و عقل دین برده برای طعن در صحابی رسول خدا ـ صلی الله علیه وسلم ـ به چنین روایتی استناد کند.

والله اعلم.